

شمایل یک بازیگر

«کامران تفتی» سودای فجر:

«مرگ کسب و کار من است»
و «پایان نامه»

«امین حیایی» سودای فجر:

اخراجی‌ها، دارکوب، شعله‌ور،
درخونگاه، دایره‌زننگی

دیده شده در «مرگ کسب و کار من است»

دیده شده در اخراجی‌ها ۱

عبدالله اسکندری چهره پرداز:

سطح گریم از سینما
جلوتر است

■ تبسم کشاورز

عبدالله اسکندری چهره‌پردازی را از سال ۱۳۵۱ و زیر نظر «بیژن محتشم» در تلویزیون آغاز کرد. او تاکنون ۵ بار سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی جشنواره فیلم فجر را دریافت و بیش از ۱۶۰ پروژه سینمایی و تلویزیون را در ایران طراحی کرده است که از جمله کارهای او می‌توان به «هزارستان»، «مثل آباد»، «گوزن‌ها»، «کندو»، «سایه‌های بلند باد»، «دست فروش بانو»، «روز واقعه»، «آدم‌برفی»، «دلشدگان»، «مادر» و ... اشاره کرد. اسکندری از جمله هنرمندانی است که کارش را بر اساس شخصیت و صحنه‌های فیلمبرداری انجام می‌دهد و می‌گوید: فیلم سینمایی «مادر» و «عروسی خوبان» از جمله کارهای متفاوت و لذت‌بخش او در جشنواره فیلم فجر بوده است.

در ادامه با «عبدالله اسکندری» چهره‌پرداز سینما و تلویزیون گفت‌وگویی در خصوص جشنواره فیلم فجر، جایگاه چهره‌پردازی در ایران و ... داشته‌ایم که می‌خوانید.

■ شما از رکوردداران کسب سیمرغ در «جشنواره فیلم فجر» هستید. در این سال‌ها کیفیت فنی جشنواره را از ابتدا تا به امروز که به ۴۰ سالگی خود نزدیک می‌شود، چگونه می‌بینید؟

حقیقتاً من از فضای مجازی متوجه شدم که جشنواره فیلم فجر در حال برگزاری است. از نگاه من کیفیت و ارزش جشنواره پایین آمده است و اعتبار گذشته را ندارد. متأسفانه جشنواره‌ها آنقدر زیاد شده‌اند که اعتبارشان را از دست داده‌اند. ما مرتب شاهد جشنواره‌های مختلف هستیم. در هر جشنواره‌ای هم عده‌ای را انتخاب می‌کنند بنابراین معلوم می‌شود که این جشنواره‌ها فقط برای اسم راه افتاده‌اند و هدفشان ارزیابی سینماگران نیست.

■ از نگاه شما بهترین دوره جشنواره کدام سال‌ها بودند؟

به نظر من جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۶۳-۶۲ که فیلم‌های آقای بهرام بیضایی، علی حاتمی، مسعود کیمیایی و ... را داشتیم بسیار خوب بود.

■ سیاست‌هایی که جشنواره در این سال‌ها داشته چگونه بوده است؟

جمعی که داور می‌کنند باید کمی هم با مسائل دیگر مانند صدا، تصویر، طراحی صحنه، لباس و ... آشنا باشند. وقتی عده‌ای داور می‌شوند که تخصصشان چیزهای دیگری است، نمی‌دانم که روی کارها چگونه و براساس چه معیاری قضاوت می‌کنند. بدبختانه قضاوت‌ها آنچنان که باید حرف‌های نیستند.

■ وضعیت گریم در سینمای ایران چگونه است؟

وضعیت گریم از سینما کمی جلوتر است. چون آقای بیژن محتشم در سال‌های دور و قبل از انقلاب به مدت شش ماه

برای گذراندن دوره به آمریکا رفته بودند. ایشان نسل مرا تربیت کردند یعنی ما با آخرین تکنیک‌های گریم در سال ۵۲-۵۱ آشنا بودیم. آن زمان طراح و منشی صحنه نداشتیم، فقط فیلمبردار، کارگردان، مدیر تهیه و بازیگران بودند. به همین دلیل گریم در مملکت ما پیشرفت کرد. اگر در خاورمیانه کارهای گریم سنگینی دیدید، بدانید که کار بچه‌های ایران است. در گذشته کشورهای عربی وقتی می‌خواستند یک سریال تاریخی بسازند از گریمورهای روسی، اروپایی و آمریکایی استفاده می‌کردند، اما وقتی کار بچه‌های ایرانی را دیدند و با ایرانی‌ها همکاری کردند، متوجه شدند گریم معنای دیگری دارد.

■ آیا جایگاه چهره‌پردازی ما نسبت به کشورهای دیگر در وضعیت مطلوبی قرار دارد؟

۲۰ سال پیش در مسابقه‌ای در آمریکا شرکت کردم و جزو ۱۰ گریمور بزرگ و برجسته جهان آن روز شدم. آن‌ها فکر می‌کردند که ما همچنان چادرنشین و شترسوار هستیم. وقتی من پیرزن «دست فروش» را برای مسابقه فرستادم جزو ۱۰ انتخابی بود که آن‌ها داشتند.

متأسفانه آن زمان هیچ روزنامه‌ای به این موضوع نپرداخت که جوان‌های امروز بدانند. شما فکر کنید این کشورهای عربی و خلیجی که با پول، تکنیک را می‌خرند هنوز هم گریمور در حد بچه‌های ایران ندارند. سریال‌های ماه رمضان‌شان را اگر ببینید تمام کارهای گریمش را بچه‌های ایرانی انجام داده‌اند.

من اولین کار گریم را برای بهروز وثوقی در فیلم «گوزن‌ها» انجام دادم. بیشتر کار گریم پیشنهاد خودم بود. آن‌ها فقط گفتند یک معناد می‌خواهند و من پیشنهاد دادم که برویم دندان‌سازی، دندان مصنوعی بسازیم تا فک جلو بیاید. در کل این اتفاقات پای



شاد باشد، من هم براساس حالت‌ها و صحنه‌ها کار گریم را انجام می‌دادم، برای همین وقتی آن فیلم سیمرغ گرفت بسیار خوشحال شدم.

یکبار هم سر فیلم سینمایی «عروسی خوبان» محسن مخملباف بود که مجدداً همین کار را انجام دادم. پسری نقش یک موجی را بازی می‌کرد و من هماهنگ با سکانس‌ها و صحنه‌ها کار گریم او را انجام می‌دادم.

گریمورها را در سینما باز کرد و کم‌کم نیاز به گریمور در سینما احساس شد.

■ کدام کار گریم برای‌تان متفاوت‌تر از بقیه بوده است؟

در فیلم سینمایی «مادر» بود که به آقای آذر پیشنهاد دادم و گفتم بگذارید با صحنه‌های فیلمبرداری کار گریم را انجام دهیم. برای مثال می‌خواستند در یک سکانس حالت‌های روحی خراب یا